



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۱/۰۳/۰۷

عبدالقیوم میرزاده

کتاب

زنان

و مشکلات فرا روی شان در جامعه افغانی

نویسنده

عبدالقیوم میرزاده

پیوسته به گذشته (قسمت بیست و ششم)

برویت مواد قانون اساسی دولت مکلفیت حمایت عام و تام جامعه مدنی را عهده دار است اما بنابر موجودیت فساد گسترده در دولت، دخیل بودن کشور ها و مؤسسات خارجی و زورمندان در این سؤ استفاده ها تا کنون دولت نتوانسته اقدامات مؤثر علیه این پدیده ای مضر بصورت قاطعانه اقدام کند. قابل تذکر است که با وصف این همه موانع، مشکلات و نارسایی ها بر علاوه تشکیلات وسیع وزارت امور زنان در بدنه حکومت یکتعداد سازمانهای اختصاصی برای زنان کشور ما نیز ایجاد گردیده است که آنها عبارت اند از:

- اتحادیه سراسری زنان افغانستان
- سازمان زنان جوان برای تغییر
- کمیته مشارکت سیاسی زنان افغانستان
- شبکه زنان افغانستان
- سازمان کمپاین پنجاه درصد
- جمعیت انقلابی زنان افغانستان
- سازمان خدیجه کبرا در ولایت کندهار
- مؤسسه کمک به ورثه شهدا
- انجمن خواهران مسلمان افغان

در این شکی نیست که شماری از این سازمانها غرض دفاع از حقوق زن در افغانستان ایجاد شده اند. همچنان بسیار محتمل است که عده از این سازمانها غرض مقاصد سیاسی از جانب گروه های سیاسی ایجاد شده باشند و یا اینکه الحاقیه های احزاب سیاسی کشور باشند. در جریان تحقیقات در قبایل وضعیت زنان در جامعه متأسفانه نتوانستم در

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولی

باره ماهیت درونی این سازمانها معلومات مفصل بدست آورم اما به این یقین دارم با وصف همه هنجار ه و نا هنجار ها فعالیت های هر کدام از این سازمانها نقش خوبی در بیداری زن جامعه ما و گامهای هر چه ابتدایی اما سود بخش برای ایجاد یک سازمان سراسری زنان درکشور ما پنداشته میشود.

با ذکر کاستی ها و نواقصی در راهکار و ساختار جامعه مدنی افغانستان که من با اختصار در باره آن توضیح دادم. اما ایجاد سازمان سراسری زنان افغانستان و یا افغانستان شمول سازی تشکلات موجود زنان که در کشور اینجا و آنجا چون شبه سازمان سو سو میزنند در چوکات جامعه مدنی کشور ما و ایجاد روابط وسیع با سایر ملحقات تشکیلات جامعه مدنی افغانستان یکی از راه های مؤثر آگاهی دهی، بیداری و مشارکت زنان در امور اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی میباشد.

لازم به تذکر میدانم که زنان کشور ما در این سالهای پسین با آنکه سازمانهای سراسری زنان بصورت فعالانه در بسیج این نیم پیکر جامعه و مشارکت اش در پیکار های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نقش اندک داشته اند اما زنان افغان توانسته اند بیشتر از هر برهه دیگر تاریخ در بخشهای مختلف سکتور های اقتصادی، اداره و رهبری و از همه مهمتر در جریان انتخابات برای شورای ملی، شورا های محلی و ریاست جمهوری سهم شایسته و قابل توجه گرفتند که در میان حلقات داخلی کشور و خارج از کشور شگفت آور بود. این ها نمونه های بارز و مؤثری اند که باورمندی زنان را به نقش و قدرت شان بیشتر ساخته و با وصف همه نارسایی ها روزنه امید را برای زنان کشور ما باز میکند.

فعالان مدنی خاصاً زنان برای ایجاد تشکلات جدید سراسری زنان و بهبود فعالیت تشکلات نیم بند موجود به یک سازمان نیرومند فعال سراسری افغانستان کارهای بسیاری را بانیست انجام دهند. این سازمان سعی بعمل آورد منحیث عضو فعال جامعه مدنی از طریق نشرات چاپی و تصویری از طریق رادیو ها و سایر امکانات اطلاع رسانی اهداف سازمان زنان را به گوش همه زنان کشور تا اقصی ترین محلات کشور ما برسانند.

همانطوریکه در بالا تذکر دادم این کار در جامعه سنتی افغانستان قربانی های فراوان مطالبه دارد. بدون زحمت و قربانی چیزی بدست نمی آید زنان کشور ما باید فرا گیرند تا خود به پای خویش ایستاده شوند آنها نباید از مردان جامعه مرد سالار افغانستان انتظار داشته باشند تا آنها از حاکمیت خویش داوطلبانه صرف نظر کرده و حقوق حقه زنان را چون تحفه ای در پطنوس گذاشته تقدیم شان کنند. زنان کشور ما با قبول خطرات و قربانی های فراوان این آماده گی را پیدا کنند تا خود وظایف و مکلفیت اجتماعی شان را بسر رسانند و در تمام امور جامعه سهم شهروندی شانرا ادا کنند. همچنان سازمان سراسری زنان افغانستان که من پیوسته در هر بخش از آن یاد آوری میکنم منحیث یک سازمان افغانستان شمول فارغ از تأثیر ایدئولوژی های چپ و راست فقط در تحت خطوط زرین منافع ملی کشور خود را عضو فعال جامعه مدنی افغانستان عملاً تثبیت کند. این سازمان برای جلب حمایت بین المللی خود و اعضایش روابط بسیار فعال با فدراسیون های زنان دنیا و شعبات مربوط سازمان ملل متحد، سازمان حقوق بشر **United Nations Human Rights Council** ، کمیسیون مقام زن **Commission on the Status of Women** ،

با مخفف **UNCSW**، بخش زنان اداره ملل متحد **UN.Women** بخش پیشرفت زنان **(DAW)** ، موسسه بین المللی تحقیق و آموزش برای پیشرفت زنان **(INSTRAW)** ، دفتر مشاور ویژه در زمینه مسایل جنسیتی و پیشرفت زنان **(OSAGI)** ، صندوق توسعه ای سازمان ملل متحد برای زنان **(UNIFEM)**،

اتحادیه بین المللی زنان برای صلح و آزادی **Women's International League for Peace and Freedom** ، کمیته محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان سازمان ملل متحد **CDEAW Committee on the Elimination of Discrimination against Women** ، دفتر نماینده گی سرمنشی ملل متحد در امور زنان **OSAGI Organisation Secretariat of the Commission on Human Rights** ، صندوق

سازمان ملل متحد برای توسعه زنان **United Nations Development Fund for Women UNIFEM** و سایر مؤسسات و ادارات بین المللی در امور زنان تأمین کرده و عضویت فعال این مؤسسات بین المللی را حاصل کنند. زیرا از طریق این مؤسسات بین المللی سازمان سراسری زنان کشور ما میتوانند در عرصه های محو و مقابله با همه اشکال خشونت علیه زنان و دختران در پشتیبانی مراجع بین المللی، توانمندسازی زنان روستایی از طریق مشارکت در امور تولید و نقش آنها در نابودی فقر و گرسنگی و تأمین بودجه مالی پروژه های تولیدی، توسعه فعالیت های مؤثر برای برابری جنسیتی و توانمند سازی زنان برای مشارکت عمومی در جامعه، دسترسی و مشارکت زنان و دختران در آموزش، پرورش، علم و تکنولوژی، از جمله ارتقای دسترسی برابر زنان به استخدام کامل و اشتغال محترمانه در همه بخشهای اداری و تولیدی کشور، محو کلیه اشکال تبعیض و خشونت علیه اطفال، ارتقای ظرفیت و آگاهی زنان در مقایسه به آگاهی مردان جامعه در امور تصمیم گیری های بزرگ کشوری در تمام سطوح اداره و رهبری، تقویت مشارکت زنان در حوزه های آموزش و فراگیری فنون تخصصی و مسلکی، مشارکت وسیع زنان در عرصه رسانه ها، اطلاعات و تکنالوژی معلوماتی و تأثیر گذاری بر این رسانه ها در باره برابری جنسیتی و سایر عرصه های کار با زنان غرض مشارکت وسیع شان در همه امور جامعه منحیث شهروند کامل الحقوق از این سازمانها و و مؤسسات بین المللی مساعدت های مالی و حمایت بین المللی کسب کنند. به همکاری این مؤسسات

بین المللی شامل و خارج از حوزه ملل متحد و نهاد های دولتی سازمان زنان افغانستان در همکاری با سایر اجزای منشکله جامعه مدنی میتواند اثرات تأثیر گزار بر قطع خشونت علیه زن، نهادینه ساختن قوانین برابر جزایی، قوانین ازدواج، ارث، مالکیت، شهادت، سفر به همه شهروندان افغانستان اعم از زن و مرد بگذارند و با حمایت قاطع این قوانین و ارگانها نقش سنت گرایان خرافی و سنت پسندان مذهبی را روز تا روز در جامعه محدود و محدود تر تا محو کامل آن برسانند. آنها به این ترتیب میتوانند اعتراض عمومی همه زنان کشور را بر علیه زن ستیزی در کلیه سطوح خانواده و اجتماع، تربیت تبعیض آمیز دو گانه جنسی فرزندان و اعضای خانواده، سوء استفاده ابزاری از زن در معاملات و معادلات قدرت و تجارت، علیه دختر فروشان و آنهایکه دختران را چون جنس و متاع عرضه میکنند و سایر حق تلفی هاییکه در جامعه علیه زنان در جریان است با استفاده از همه تریبون ها با صدای بلند که گوش همه جهانیان آنرا بشنود ابراز دارند.

آنچه را از آغاز مبحث زنان تا اینجا بار بار به تأکید بر آن تکیه کرده نگاشتم مسئله نبود سازمان مدنی افغانستان شمول زنان که در راه اعاده حقوق زن در سراسر کشور ما بحیث تکیه گاه مطمئن برای زنان تبدیل شده باشد میباشد. زیرا تنها بوسیله یک سازمان با اعتبارمدنی زنان میتوان بر دولت و سیستم سیاسی کشور تأثیر گزار بود. این سازمان هر از گاهی میتواند مسایل مشارکت زن در همه امور کشور را زیر کنترل خویش داشته و در تصمیم گیری های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی فرهنگی و امور دفاعی و تأمین نظم در تمام سطوح کشور نقش فعال ایفا کند.

مفید میندارم زیر همین عنوان به مبارزات فیمینیستی زنان جهان منجمله زنان افغانستان نیز اشاراتی بعمل آورم تا پهلو های مؤثر و غیر مؤثر آن را در جامعه اسلامی افغانی تدقیق کرده و نحوه اجرای مؤثر آنرا بانوان کشور ما ارزیابی کنند. زیرا جنبش ها و مبارزات فیمینیستی جهانی نیز هر از گاهی جزء از مبارزات جامعه مدنی محسوب گشته و نقش قابل توجه ای در آزادی زنان جهان و جلب توجه نهاد های بین المللی برای رهایی زن از سلطه فرهنگ مرد سالار ایفا کرده است. اما بطور کل نمیتوان تمام جنبش های فیمینیستی را در طول سیر فعالیت شان اعضای صادق جامعه مدنی محسوب کرد زیرا گاهگاهی این جنبش ها یکجا با متفکرین سیاسی مردانه شان در راه تصاحب قدرت سیاسی و راه اندازی انقلابات سیاسی - اجتماعی عمل کرده اند. اما دانستن تمام فرود و فراز ها، اشکال و انواع مبارزات فیمینیستی برای زنان کشور ما آگاهی ضروری برای انتخاب مسیر مبارزات شان در راه آزادی زن جامعه ما از زیر سیطره فرهنگ مرد سالار خواهد بود.

گفته میشود افلاطون در کتاب جمهوریت خویش Republic of Platunis در ۳۸۰ قبل از میلاد طی یکی از مباحثات اش گفته است که در یک کشور ایده آل زنان باید در کنار مردان (در خارج از خانه) کار کنند، آموزش معادل دریافت کنند و همچنین در تمام جنبه های نظام سیاسی شرکت کنند. اما در آن زمان نه در یونان و نه در سایر نقاط جهان که افلاطون به آن آشنایی داشت زنان حتی از کوچکترین حقوق انسانی برخوردار نبودند که این گفته افلاطون بیشتر به یک تصور میماند اما در حقیقت باید همینطور میبود.

از قرن پانزدهم بدینسو در اروپا زیر تأثیر رنسانس خرد ورزی و عمل خرد گرایانه و نقد خرد مندانه همه باور ها، سنت ها و مقدسات که تا آنروز مجاز نبود آهسته آهسته در زنده گی مردم جای خود را احراز میکرد. گرچه این پروسه در مراحل نخستین تنها در میان طبقات اشراف و مافوق جریان داشت ولی به هر صورت در جامعه محسوس بود که جایگاه زن اروپا هم مورد بازنگری قرار گرفت. که باز نگری موقعیت اجتماعی و حقوقی زنان فراز و فرود های بسیاری را از سر گذراند و حدود سیصد سال دوام کرد تا نخستین بیان های اندیشوی در باره آزادی زن زیر نام « زن آزادی خواه» یا فیمینیسم Feminism بوسیله چارلز فویر فیلسوف و دانشمند فرانسوی برای اولین بار در سال ۱۸۳۷ وارد ادبیات سیاسی و اجتماعی دانشمندان اروپا گردید و در سال ۱۸۷۲ مینا کروسمن هلندی Wilhelmina Jacoba Pauline Rudolphine (Mina) Kruseman (۱۸۳۹ - ۱۹۲۲) نویسنده، هنر پیشه، آواز خوان و پیشتاز نهضت زن در هلند برای بار اول با نوشتن نامه ای به نویسنده و ژورنالیست فرانسوی الکساندر دوما پیری Alexander Dumas Pere (۱۸۰۲ - ۱۸۷۰) کلمه فیمینیسم را برای کاری که در راه شوراندن زنان برای گرفتن حق شان انجام داده بود در ادبیات نوشتاری استعمال کرد. متعاقب آن در دهه هفتاد قرن نوزدهم، آلتا ژاکوبز Aletta Henriëtte Jacobs (۱۸۵۴ - ۱۹۲۹) اولین زن هلند بود که در یک مدرسه عالی ملکی تحصیل کرد و در سال ۱۸۷۸ به عنوان طبیب در جامعه قد راست کرد که در آن زمان مورد تمسخر خاص و عام و حتی روزنامه ها قرار گرفت و یکی از برادرانش اعلام کرد که حالا مرگ آلتا برای ما فرض است و او باید کشته شود. همچنان در بلژیک پیشتاز نهضت زنان ماری پوپلین Marie Popelin (۱۸۴۶ - ۱۹۱۳) توانست با وصف مخالفت خصمانه و آشکار همه مردم و دستگاه حکومت شهادتنامه فراغت تحصیلات عالی را در رشته حقوق از پوهنتون بلژیک بدست آورده و به عنوان وکیل کار در بیرون منزل را شروع کرد.

در نخستین امواج فیمینیستی در اروپا که زنان امریکا هم متعاقباً ۱۹۰۰ به آن ملحق شدند بیشتر تلاش ها برای کسب حق رای، حق کاربرد بیرون منزل، حق مالکیت، حق سر پرستی کودکان و حق طلاق متمرکز شده بود که آهسته آهسته زیر فشار فرهنگ مرد سالار اروپا این تلاش ها زایل شده و تنها مبارزه برای حق رای در پیشانی خواسته

های فیمینست های این دوران حک شده بود. که مردم، حکومت و خود زنان هم فیمینسم را جنبش زنان برای اعاده حق رای میشناختند و با همین شناخت شامل ادبیات سیاسی، هنر، تاریخ، اقتصاد، حقوق و جامعه شناسی گردید. پایان قسمت بیست و ششم (ادامه دارد)

د پانو شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ